یادداشت

محسن غلامی(قلعه سیدی)

سور پرایزی به نام کتاب فقط چند روز دیگر!

خب به سلامتی ایستگاه مترو شهر آفتاب هم افتتاح شد تا بلکه نمایشـــگاه کتاب تهران تا حدودی خیالش از بابت رفت وآمد مردم کمتر شود. بالاخره هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند چطور باید به نمایشگاه بروند و چطور برگردند خصوصا اینکه نمایشگاه یکهویی به بیرون شهر پرت شده!

خیلی دلتان را به چند تا مســیر اتوبوس و ۵۰ دستگاهی که اعلام کردند قرار است کتاب‌دوستان را به نمایشگاه بین‌المللی ببرد، خوش نکنید. حالا کی راه می‌افتند و کی برمی‌گردند و اینها؛ پس بعید می‌دانم با توجه به تجربه‌های قبلی جشنواره‌ها بشود روی این یکی نیز، حساب کرد.

فکر کنید جمعیت دوره‌های قبل مصلی به این راحتی‌ها قابل جابه‌جایی باشند. حالا خدا را شکر که خط مترو رسید و مردم بی‌ماشین با جیب‌های خالی، نفس راحتی کشیدند که شب در بیابان‌های اطراف تهران نمی‌مانند و خوراک حیوانات نمی‌شوند! نه واقعا انگاری شــهرداری حداقل حســاب کار را کرده است. راستی از این حال و هوای نمایشگاه چه خبر؟ هیچ خبری نیست! بچه‌های رسانه حال ندارند یا نمایشگاهی‌ها؟ چند فریم عکسی، فیلمی چیزی بلکه مردم ببینند آنجا چه خبر است و همه چی روبه‌راه است؟. لابد زود است کو تا ۱۰ روز دیگر آقا؟ می گذاریم همه چیز را یکباره افتتاح می کنیم از شهرآفتاب گرفته تا خود نمایشــگاه کتاب و بقیه را. اینجوری لابد غافلگیری‌اش بیشتر و جذاب‌تر است. فعلا نیز کارگران ســاختمانی آنجا همچنان مشغول کارند و بشور و بساب در و دیوار.

■ مردیم که مردیم؛ فدای سر کتاب

بالاخره روزهای اول را با بوی رنگ و چســب چوب و اینها سر می کنیم تا ما نیز بفهمیم مســئولان نمایشگاه و شهرآفتاب چه زحمتی کشیده‌اند واقعاً! مثل همین مصلای همیشگی و یکی دو روز اولش که پر بود از غرفه‌های نصف و نیمه و دوجین ریخت و پاش. چند نفر هم این بین زخمی می‌شدند، ایرادی نداشت. نبینم کســی از کتابخوانان و مردم بیچاره، صدایش درآید احیاناً؟ خودشان می گویند که عملیات ساخت‌وساز فعلا ادامه دارد تا مشــکلات اتصال برق و آب و بقیه نواقص را حل کنند. خدا به دادمان برسد حداقل سقف و دیوار نمایشگاه را محکم‌تر ببندید. نکند ناغافل فدای کتاب نشویم و الفاتحه.

ما کوتاه، مفید و مختصر نوشتیم که اخوی! چندان وقتی نمانده تا ۱۵ اردیبهشت و افتتاحیه، خصوصاً در مورد محلی که هنوز بی‌در و پیکر اســت. نکند بی‌برنامگی احتمالی و عجله، کار دســتمان بدهد. ان‌شــاءالله که خبــری در راه نیست. رسم ماست که کارهای فرهنگی ما چندان برنامه نداشته و صرفاً عجله کردن بوده؛ این نیز مثل بقیه. تازگی ندارد ولی امیدواریم آبروریزی نکننــد. این را هم یادمان نرود که بالاخره کتاب از مصلی دل کند و صاحبخانه شد. این نیز غنیمتی است.

■ دانشجویان باهویتی که کارت بهشان نرسید

از در و تخته و ملات ساختمانی نمایشــگاه و شهر آفتاب که بگذریم، جدیداً نوع گــپ و گفت‌ها در مورد ایــن رویداد به جاهای باریک کشیده. این وسط گاه آدم حرف‌هایی می‌شنود که شــاخکش بیرون می‌زند. مثلاً می گوینــد چه خوب که نمایشــگاه کتاب راهش دورتر شــده، چون به زعم دوستان دیگر هر بی‌سر وپایی راهش را کج نمی کند و به صرف تفریح و کتاب دیدن به نمایشــگاه نمی‌رود! جل‌الخالق اینها دیگر چه ادعایی است.

انگار آلزایمر گرفته‌اند که اسمش نمایشگاه هست نه فروشگاه و غیره. همه چیزش باهم است. آدم چه حرف‌هایی که از چپ و راستی نمی‌شنود. وگرنه با این ادعاها که همان خیابان انقلاب و کتابفروشی‌هایش بس است دیگر. شور و شوق مردم را با این حرف‌ها نگیرید. دل مردم از بچه تا پیرمردش به همین جاها خوش است. حرف و انتقاد و تمجید زیاد است مثل مشکلاتش. تمام گرفتاری‌ها نیز روی ســر وزارت ارشــاد خراب اســت و شهرداری، چون برخی کم‌محلی می کنند و پای کار نیستند. مثالش کم نیست؛ صرفاً به یکی بسنده کنیم، اینکه دانشجویان بســیاری به اجبار قید خرید بن کارت‌های تخفیف را زده‌اند خصوصی آزادی‌ها. مقصر نیز دانشگاه است که حوصله‌ای برای ارائه هویت دانشجویانش به ارشاد ندارد.

نگرانی‌ها فکر نمی کنم امسال زیاد باشد. کمی از بابت دوری راه هست و برنامه‌های جانبی در فضایی وسیع که احتمالا در اختیار غرفه‌هاســت. خانواده و بچه‌ها و البته درس‌خوان‌ها را اگر دریابید، شلوغی و همهمه را همچنان خواهیم دید. چه بسا نمایشگاه بدون سروصدا مساوی با هیچ است.

خداکند سر و روی امسال نمایشگاه، به‌قدر کافی جذاب باشد؛ هرچیزی که بشود با آن مردم را پای کتاب کشید. فضای شهر آفتاب اینقدر هست که بشود حتی وسطش ورزشگاه زد! پس کمبود جا ندارند. دوســتان حتی به فکر راه‌انداختن تره‌بار و غیره نیز افتاده‌اند. این کارها پیشکش، فقط به فکر خوراک و شکم نباشید و به بالاتر از اینها فکر کنید. فکر کردن درباره‌شان نیز دست ارشاد و شهرداری را می‌بوسد.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

| روزنامه جوان | شماره ۴۷۹۴ | شنبه ٤ اردیبهشت ۱۳۹۵ | ۱۵ رجب ۱۴۳۷ | اذان ظهر: ۱۳:۰۳ |
غروب آفتاب: ۱۹:٤٤ | اذان مغرب: ۲۰:۰۳ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۷ | اذان صبح فردا: ۰٤:٤۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۰ |

راه سعادت

امام صادق علیه‌السلام

اِن اَحبَبتَ اَن یَزیدَ اللهُ فی عُمُرِکَ فَسُرَّ اَبَـوَیکَ

اگر دوست داری که خداوند عمرت را زیاد کند، پدر و مادرت را شاد کن.

(وسایل‌الشیعه ج ۱۸، ص ۳۷۲)

نما | حسین کشتکار

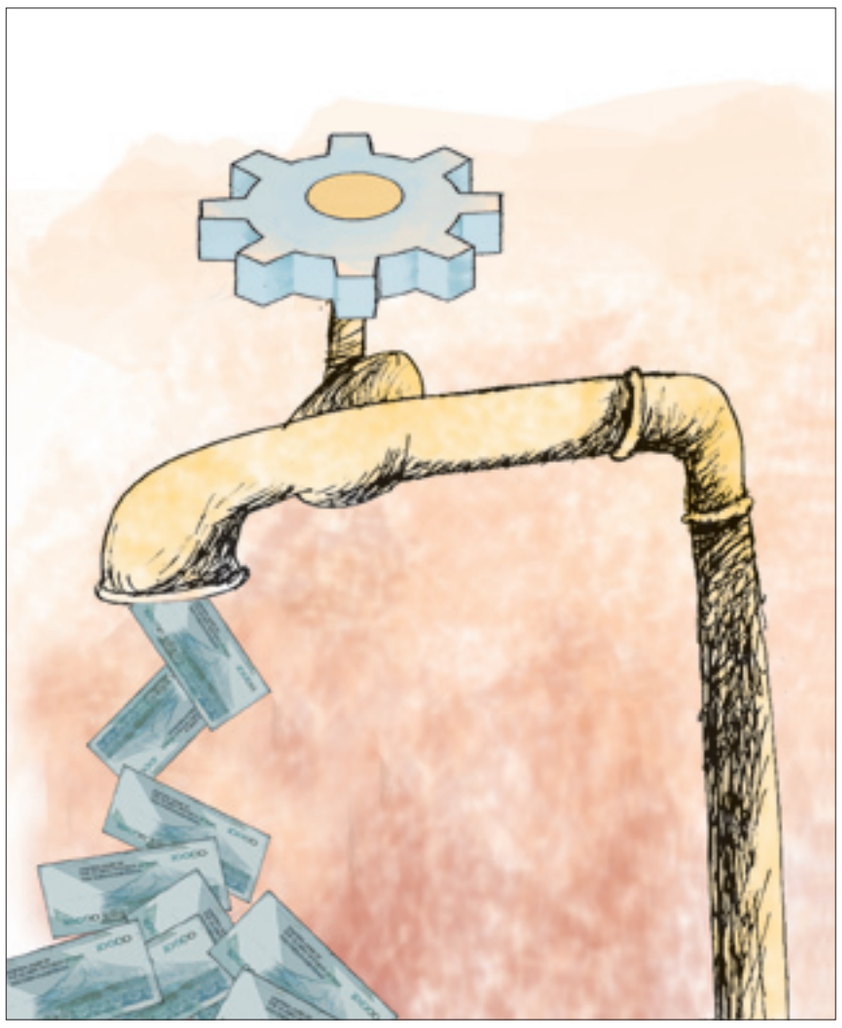

گزارش

کم‌شدن مخاطبان سریال شهرزاد در قسمت‌های پایانی زنگ خطر شبکه خانگی را به صدا در می‌آورد

سریالی که موفقیتش چراغ امید شبکه خانگی است

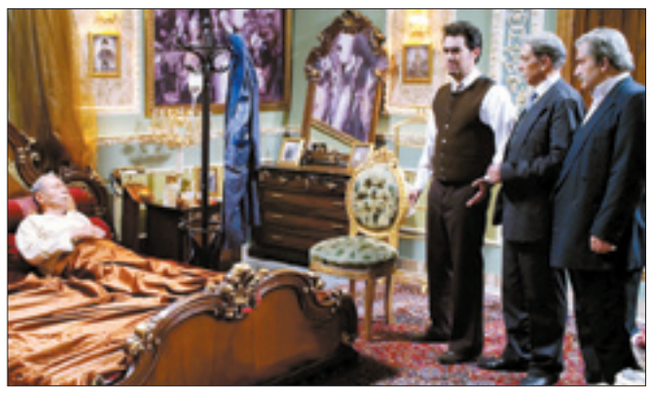

■ محمدصادق عابدینی

تنها سه قسمت تا پایان فصل اول سریال شهرزاد باقی مانده است و سریال به نقطه فینال خود نزدیک می‌شود. مجموعه‌ای تلویزیونی که رونق را به شبکه نمایش خانگی باز آورده با افشای داستان و سقوط سریال در قسمت‌های پایانی اکنون چشم انتظار استقبال از قسمت‌های پایانی است، این استقبال می‌تواند به معنای آمادگی مردم برای پیگیری فصل دوم سریال باشد.

سریال شهرزاد ۲۵ هفته است که به صورت مداوم در افکار عمومی و رسانه‌ها حضور موفق دارد و استقبال از قسمت‌های جدید این سریال که هر هفته دوشنبه منتشر می‌شود، نوید دهنده بازگشت رونق و اعتبار به شبکه نمایش خانگی است. با وجود این اتفاقات هفته‌های اخیر از حذف بی مقدمه کاراکترهای تقریبا اصلی سریال، افشا شدن داستان سریال تا پایان فصل اول و مشخص شــدن خلاصه داســتان فصل بعدی «شهرزاد» این نگرانی را به وجود آورده است که استقبال از سریال تنها به همین جا ختم شود و دیگر کسی تمایل نداشته باشد که دوشنبه‌ها منتظر رسیدن «شهرزاد» باشند.

■ آنها که به شهرزاد نرسیدند

با توجه به اینکه سریال‌سازی تا مدت‌ها در انحصار تلویزیون بوده است، شبکه نمایش خانگی سال‌ها به پخش فیلم‌های ســینمایی و انیمیشن بسنده می کرد و کمتر فضا بــرای عرضه انــواع دیگر از محصولات تصویری بــه وجود می‌آمــد. در این بین بعضی اوقات مســتندهای تک قسمتی نیز شانس این را داشتند که در شبکه خانگی توزیع شــوند و برنامه‌های ترکیبی و جنگ‌های شادی نیز در رده‌های پایین‌تر محصولات قرار داشتند. صداوسیما اولین بار توسط مؤسسه سروش اقدام به توزیع سریال‌های محبوب تلویزیونی در قالب مجموعه لوح‌های فشــرده کرد و جا برای حضور سریال نیز در شبکه خانگی نمایش باز شد، با این تفاوت که حضور اولیه ســریال‌ها نیز منحصر به صداوسیما و به صورت پکیج کامل بود. در صورتی که شبکه نمایش خانگی توانایی‌های بالاتری نیز داشت. سال ۸۹ نقطه عطف تاریخ شبکه نمایش خانگی بود. در این سال دو مجموعه «قلب یخی» و «قهوه تلخ» وارد شبکه شدند و اولین سریال‌هایی که به صورت اختصاصی جهت توزیع در شــبکه مویرگی نمایش خانگی تهیه شــده بودند توزیع هفتگی خود را آغاز کردند. این دو ســریال با آغاز خوب به سرنوشت غم‌انگیزی رسیدند.

سریال شــهرزاد ۲۵ هفته است که به صورت مــداوم در افکار عمومی و رســانه‌ها حضور موفــق دارد و استقبال از قســمت‌های جدید این سریال که هر هفته دوشنبه منتشر می‌شود، نوید دهنده بازگشت رونق و اعتبار به شبکه نمایش خانگی است

«قلب یخی» به دلیل اســتقبال نکردن مردم در فصــل دوم نیمه کاره رها شــد و محمد حســین لطیفی کارگردان این فصل‌ها از کار جدا شد. بعد از مدتی وقفه با تغییر کارگردان و جایگزین شدن سامان مقدم فصل سوم وارد بازار شد اما این فصل نیز موفقیتی نداشــت تا «قلب یخی» تنها در حد ترانه‌اش در اذهان باقی بماند. «قهوه تلخ» هم که اولین سریال طنز شبکه نمایش خانگی بود، با تیم تقریباً ثابت مهران مدیری در تولید سریال‌های ۹۰ شبی طنز تلویزیون تولید شد. قهوه تلخ به واسطه محبوبیــت مدیری، جوایز مخصــوص خریداران سریال و داستان جذاب، شروع خوبی داشت. در آن زمان موفقیت مدیری به معنای نه به صداوسیما معرفی شد و همین موضع بر فروش سریال تأثیر مثبت بسزایی داشت. قهوه تلخ اما مانند کارهای بعدی مدیــری در میانه‌های راه رها شــد و بعد از چند قسمت شکست خورده به فراموشی سپرده شد. داود میرباقری نیز «شــاهگوش» و «دندون طلا» را به شبکه نمایش خانگی آورد که شاهگوش شــروع خوب و پایــان ضعیفی داشــت اما مینی ســریال «دندون طلا» در مجموع بی ســر و صدا آغاز شد و بی سرو صدا هم از شبکه نمایش خانگی رفت. هیچ کدام از این سریال‌ها آن‌گونه که انتظار می‌رفت نتوانستند موفق باشند، تا اینکه «شهرزاد» محصول مشــترک ایران و آلمــان و اولین حضور ســرمایه گذار خارجی پابه عرصه شبکه نمایش خانگی گذاشت. شــهرزاد حداقل در ۲۵ قسمت گذشته نشــان داده که یک ســر و گردن از سایر سریال‌های پخش شده در شــبکه خانگی بالاتر بوده است. درام این سریال کشــش آن را داشته تا مخاطبان سخت پســند ایرانی را با خود همراه کند. همین موضوع باعث شده تا توجه‌ها نسبت به موفقیت نهایی این سریال که گفته می‌شود دو فصل دیگر از آن ساخته خواهند شد، بیشتر شود. فرهنگ‌سازی برای دنبال کردن سریال‌های شبکه خانگی نمایش و ترغیب سرمایه‌گذاران جهت ورود به این شبکه و سرمایه‌گذاری در حوزه تولید سریال، شکســت انحصار تلویزیون در تولید مجموعه‌های داستانی و در نهایت کمک به اقتصاد هنر از ثمرات پایان موفــق فصل اول شــهرزاد اســت. در نقطه مقابل اگر این قســمت‌های باقی مانده به هر نحو مخاطب‌پسند نباشد و استقبال از آن پایین باشد، احتمال اینکه بار دیگر مردم برای دیدن سریالی در شبکه نمایش خانگی مجاب شوند، سخت می‌شود! این سریال تا امروز چراغ شبکه نمایش خانگی را روشن نگه داشــته و اگر این چراغ خاموش شود، خیلی از امیدها به ناامیدی تبدیل خواهد شد.

اکران با تأخیر فیلمی که به مقاومت در برابر اسرائیل می‌پردازد

ابوزینب بالاخره به سینماها می آید

■ محمدصادق عابدینی

فیلم سینمایی ابوزینب ساخته هادی غفاری قرار است در خرداد ماه اکران عمومی شود؛ فیلمی که دو سال پیش در جشنواره فیلم مقاومت رونمایی شد، اما فرصت اکران در ایران را پیدا نکرد.

علی غفــاری کارگردان فیلم «اســترداد» که توانســت جایزه بهترین فیلم را از ســی و یکمین جشــنواره فیلم فجر به دست آورد، در فیلم بعدی‌اش با همکاری مرتضی شعبانی، مستندساز شناخته شده ســینمای ایران ســراغ تولید فیلمی رفت که در ایران آن را با نام «ابوزینب» می‌شناســند و در کشورهای عربی به آن «السر المدفون» (راز پنهان) می گویند. داستان ابوزینب ارتباط مســتقیمی با مقاومت مردم لبنان در برابر تجاوزگری رژیم صهیونیستی دارد. زمانی که اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد و نیروهای مقاومت به مقابله بــا این تجاوزگری پرداختند. غفاری درباره فیلمنامه «ابوزینــب» می گوید: فیلمنامه درباره یک خانواده مقاوم و معروف فلسطینی است و مربوط می‌شود به ۳۰ سال پیش، زمانی که اسرائیل لبنان را اشغال کرده بود و در حقیقت این داستان تا سال ۲۰۰۰ طول می‌کشد. محور این فیلم سینمایی مادر این شهید بزرگ لبنانی با بازی «کارمن لبس» است. طرح اولیه کار از یک نویسنده لبنانی است و فیلمنامه را محمود غلامی نوشته است. فیلم به زبان عربی ساخته شد و از این رو نیز یکی از نمونه‌های نادر در سینمای ما به شمار می‌رود.

■ رونمایی از اولین فیلم در جشنواره مقاومت

غالب فیلم‌های سینمایی تولید شده توسط فیلمسازان ایرانی در جشنواره فیلم فجر رونمایی می‌شوند. ولی «ابوزینب» در این میان دست به یک سنت‌شکنی زد و رونمایی‌اش را نه در فجر بلکه در جشنواره مقاومت برگزار کرد. این رخداد نقطه عطفی در برگزاری جشنواره بین المللی مقاومت بود که تا پیش از این میزبان فیلم‌هایی بود که حتــی از زمان اکران عمومی آنها هم گذشته بود. با سنت‌شکنی که محمد خزاعی سیزدهمین جشنواره فیلم مقاومت به خرج داد، از فیلم‌های «پادشاه شن‌ها» ساخته ســوریه و «ابوزینب» دعوت کرد تا در این جشنواره رونمایی شوند. مســیر برای رونمایی از فیلم‌ها در دوره‌های بعدی جشنواره نیز باز شد به نحوی که فیلم «هیهات» نیز قرار است در چهاردهمین جشنواره فیلم مقاومت رونمایی شود. حضور اکران اول و رونمایی از فیلم‌ها در جشنواره بر میزان اعتبار این رخداد افزود.

■ اکران ابوزینب در خارج از کشور

سرمایه‌گذار تولید فیلم ابوزینب یک شرکت لبنانی است، از این رو اولین اکران خارجی این فیلــم در لبنان صورت گرفت که با وجود موضوع فیلم هم از آن استقبال شد و هم حواشی برای این فیلم به وجود آمد. در مقابل، اکران فیلم در ایران با گذشت بیش از یک سال از رونمایی فیلم، هنوز محقق نشــده بود، اما روز گذشته خبر رونمایی مجدد این فیلم منتشر شد. باید دید با توجه به گذشت زمان و تغییرات سیاسی در منطقه، میزان استقبال از «ابوزینب» در سال شکوفایی سینما تا چه حد خواهد بود.

آخرین آمار فروش فیلم‌ها از زبان پخش‌کنندگان

آخریــن آمار فــروش فیلم‌هــای ســینمایی از ســوی پخش‌کنندگان اعلام شــد، «ســالوادور» با بیشــترین تعداد سالن بیشــترین فروش و «کفش‌هایــم کــو؟» بــا کمتریــن ســالن کمتریــن فــروش را دارد.

به گزارش ایســنا «ابد و یک روز» با در اختیار داشــتن ۵۲ سینما، مجموع فروش خود را به ۴ میلیارد و ۵۷۰ میلیون تومان رسانده است. مجموع فروش فیلم «بادیگارد» ابراهیم حاتمی کیــا، ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بوده است. «کوچه بی‌نام» ساخته هاتف علیمردانی با وجود گذشت نزدیک به ۷۰ روز از آغاز اکرانش، همچنان در شش سینمای تهران در حال نمایش است و مجموع فروش خود را به بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان رســانده است. «خشم و هیاهو» به کارگردانی هومن سیدی، فروش خود را به مرز یک میلیارد تومان رسانده است. «من سالوادور نیستم» به کارگردانی منوچهر هادی نیز که از پنجم اسفند سال گذشــته بر پرده سینماهاست، تا کنون فروشی در حدود ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان داشته است.

«کفش‌هایم کو؟» ساخته کیومرث پوراحمد حالا تنها در ۱۲ سینمای تهران نمایش دارد و فروشش نیز به ۴۴۰ میلیون تومان رسیده است.

«پنجاه کیلو آلبالو» نیز فیلمی کمدی اســت که در برنامه اکران نوروز قرار داشت و با استقبال نســبی مخاطبان نیز روبه‌رو شد و در این مدت توانست مجموع فروش خود را به ۷ میلیارد و ۱۶۰ میلیون تومان برساند.

میراث

هتل، سایه‌اش را از سر مجموعه زندیه کم کرد

طبقــات اضافی هتل ۱۸طبقه آســمان کــه ثبت جهانی مجموعه تاریخی کریمخانی را با مشکل مواجه کرده بود روز جمعه با اجرای حکم تخریب آن به‌وسیله شهرداری شــیراز، ســایه‌اش از ســر تاریخ زندیه برداشــته شد.

به گزارش ایرنا، شهردار منطقه یک شیراز در خصوص تخریب یک و نیم طبقه از هتل آسمان گفت: پس از اینکه در مساحت هتل محرز گردید که تخلف صورت گرفته رسیدگی به پرونده در دستور کار قرار گرفت و با بررسی در کمیسیون ماده ۱۰۰ رأی کمیسیون مبنی بر تخریب اضافه بنا صادر گردید. پیش از این مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دســتی و گردشگری استان فارس گفته بود که تعداد طبقــات در مجوز اصلی احداث این هتل ۱۴ طبقه بوده اما در هنگام ساخت وساز مالک هتل اقدام به ساخت این هتل در ۱۸ طبقه کرده اســت که این موضوع تخلف است و طبقات اضافی باید تخریب شود.

آثار خارجی جشنواره فجر گمنامند

دورهمی به اسم جشنواره جهانی

■ وحید مهری

جشــنواره بین‌الملل فجر در حالی به میانه رسیده که نه فقط گمنام بــودن آثار خارجــی حاضــر در آن بدجــوری گلایه‌ها را موجــب شــده بلکــه نمایــش آن چند اثــر ایرانی پیشــتر دیده نشــده جشــنواره هم نتوانســته توجهات را جلب کند.

«هاری» و «اروند» دو عنوان از آثار ایرانی دیده نشده‌ای بودند که در بین‌الملل فجر به نمایش درآمدند و هیچ کدام نتوانستند توجهات را جلب کنند. «هاری» تلاش‌های یک جوان برای ساخت یک نئونوآر را به نمایش می گذارد که در آن کمترین تلاشی برای بومی‌سازی ماجراها صورت نگرفته و انگار که داستان به جای تهران در حومه منهتن روی می‌دهد. شــاید یکی از دلایلی که این فیلم حدوداً دو ســال بعد از زمان تولید هنوز نتوانســته مجالی برای اکران بیابد همین بی ربط بودن فضای آن با اجتماع ایران است. «اروند» که در ظاهر بنا بوده فیلمی دفاع مقدســی و البته شرح واقعه نگاری یک عملیات تفحص باشد به کاریکاتوری از آثار رسول ملاقلی پور بدل شده است. از آن سو ربط بی دلیل ماجرای فیلم با ماجرای غواصان شهید موجب شده فیلم بدجوری شعاری به نظر برسد. از آن بدتر باسمه‌ای بودن لحظات اکشن فیلم است که بی تجربگی کارگردان در آن بدجوری هویداست. اینکه چنین فیلم‌هایی در بین‌الملل فجر چه می کنند را فقط دبیر جشنواره می‌داند و لاغیر؛ او بود که گفت مسئولیت تمام انتخاب‌ها را می‌پذیرد و این هم یک انتخاب نادرست برای جشنواره‌ای است که سودای جهانی شدن دارد. بین‌الملل فجر همچنان و همچنان و همچنان از کمبود آثار مطرح رنج می‌برد و برگزارکنندگان می کوشند با فانتزی‌سازی‌هایی درباره دربه‌دری فیلمســازی که پدرش ساکن امریکاســت برای پیدا کردن بلیت یکی از فیلم‌های جشــنواره، کمبودهای مدیریتی خود را جبران کنند. بین‌الملل فجر مخاطب ندارد و مدیر جوان پردیس جشنواره می کوشد با باز نکردن در سالن در موعد مقرر شرایط تشکیل صف جلوی سالن برای فانتزی‌سازی‌های روابط عمومی در جهت اقبال مخاطب را موجب شود. بین‌الملل فجر مهمان معتبر خارجی ندارد و دبیر جشــنواره می کوشــد با دعوت از اصغر فرهادی و داریوش مهرجویی برای جشنواره‌اش اعتبار بخرد.

ای کاش آن روز که رسانه‌هایی همچون «جوان» جدایی بین‌الملل از فجر بدون داشتن فیلم و سینماگر معتبر خارجی را فریاد می کردند رئیس سازمان سینمایی به‌جای ســخن گفتن ده‌باره از تجربیات رایزنی‌اش در فرانسه به این فکر می کرد که صرف بودجه میلیاردی برای جشنواره‌ای بدون بازخورد عین دور ریختن منابع ملی است؛ امید که این اسراف کنندگان بیت‌المال در روز جزا پاسخی درخور برای پروردگار خویش داشته باشند.

کتاب

توصیه خطیب جمعه تهران به مسئولان ارشاد درباره نمایشگاه کتاب

آیــت‌الله موحــدی کرمانــی خطــاب بــه دســت‌اندرکاران نمایشــگاه کتاب گفت: اگر در بیــن کتاب‌ها یــک کتاب گمراه‌کننده باشــد و یک جــوان آن را بخرد و به خانــه ببــرد و به‌واســطه آن، خواهر، برادر یــا پدر و مــادرش را نیز گمراه کند، شــما (مســئولان) تا قیامــت گرفتار عــذاب الهی خواهیــد بود.

آیت‌الله موحدی کرمانی، امام جمعه موقت تهران در بخشی از خطبه‌های نماز جمعه روز گذشته تهران در مورد نمایشگاه کتاب نیز گفت: در نمایشگاه کتاب از کشورهای مختلف کتاب به نمایش گذاشته می‌شود و برخی می‌خواهند فرهنگشان را این گونه تزریق کنند.

آیت‌الله موحدی کرمانی خطاب به دست اندرکاران نمایشگاه کتاب تصریح کرد: اگر خدایی نکرده در بین این کتاب‌ها یک کتاب گمراه‌کننده باشــد و یک جوان آن را بخرد و به خانه ببرد و به‌واســطه آن، خواهر، برادر یا پدر و مادرش را نیز گمراه کند، شما (مسئولان) تا قیامت گرفتار عذاب الهی خواهید بود. بنابراین این شوخی نیست بلکه باید دید چقدر قدرت کنترل از طرف مسئولان ذی‌ربط وجود دارد.

وی ادامه داد: بنده زمانی که در ســپاه بــودم برخی را مأمور کردنــد تا ببینند چه کتاب‌هایی عرضه می‌شود و طبق گزارشی که آورده شــد کتاب‌های گمراه‌کننده منکر خدا و ضد انقلاب به نمایش در می‌آید.

آیت‌الله موحدی کرمانی گفت: ما که نمی‌خواهیم با این نمایشــگاه پز بدهیم. اصلاً نمایشگاه کتاب این چنینی را نمی‌خواهیم.

بیست و نهمین نمایشــگاه بین المللی کتاب تهران با شعار «فردا برای خواندن دیر است...» از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت در مجموعه نمایشگاهی شهرآفتاب برگزار می‌شود. مجموعه شهر آفتاب در اتوبان خلیج فارس، روبه روی حرم مطهر امام خمینی (ره) قرار دارد.

یادداشت شفاهی

جبار آذین

«پنجاه کیلو آلبالو» نشانگر اهمال و انحراف مسئولان سینمایی کشور است

فیلم «پنجاه کیلــو آلبالو» که در کارنامه سینمایی سازنده آن کاری متفاوت است، با ســوء استفاده از نیاز تماشاگران به امید و شــادی و به قصد سوداگری در گیشه ساخته شده است. این فیلمفارسی مدرن بدون در و پیکر که کپی دست چندم فیلم‌های ضدارزشی و ضد اخلاقی امریکایی است نه تنها دارای ساختار، فیلمنامه، بازی و کارگردانی حرفه‌ای نیست که هیچ ارتباطی هم با ژانر کمدی و طنز ندارد. آنچه در این فیلم سبک و جلف به تصویر کشیده شده، شــما و نمایی از هجمه به اخلاقیات و مناسبات خانواده‌ها و به ویژه نسل جوان است.

سازنده این فیلم آشــکارا با زیر ســوال بردن روابط و ارزش‌های جاری در جامعه، مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، خانوادگی، دینی و اجتماعی را به سخره گرفته و گمان کرده مبلغ زندگی امریکایی در مقابل زندگی ایرانی و اسلامی است. تولید فیلم‌های غیراستاندارد و غیرارزشی و صرفاً تجارتی مانند فیلم‌های «من سالوادور نیستم» و «پنجاه کیلو آلبالو» نشــانگر غفلت، اهمال و انحراف مدیران و مسئولان سینمایی کشــور و جمعی از سینماگران شیفته غرب اســت. از همین رو تولید چنین آثار ناپســند که گرچه به دلیل فراوان نبودن آثار خوب و با محتوا و کوتاهی مســئولان و نیاز به خنده و شادی با اســتقبال رو به رو شــده گذرا و سطحی بوده و نمی‌تواند در معادلات سینمایی، فرهنگی و اجتماعی ما جایگاهی مناســب و اصولی داشــته باشــد. «پنجاه کیلو آلبالو» زهرخند فیلمســازانی چون حقیقی به حقیقت ســینما و فرهنگ والای جامعه و اهانتی بزرگ به مقام و شخصیت انسان‌های شریف و تمام آنهایی است که حامل و پاسدار ارزش‌ها هستند. نکته مهم دیگر اینکه فروش بالای فیلم‌های شبه کمدی اکــران مرهون تبلیغات ممنوع ماهواره‌ای اســت. جای تعجب دارد که چرا مســئولین ســینما به‌رغــم ممنوعیــت تبلیغات ماهواره‌ای با سازندگان این فیلم‌ها برخورد قانونی نمی کنند؟ آیا این به دلیل همسویی و همپالگی آنها با این قبیل فیلم‌ها و فیلمسازان نیست؟ به علاوه اگر قرار است روی فروش خوب فیلم‌ها حساب باز شود، باید استقبال مردمی و فروش میلیاردی امثال «بادیــگارد» ملاک قرار گیرد، چراکه این فیلم ارزشــی از هیچ نوع تبلیغات ماهواره‌ای استفاده نکرده و حامیانش مردم کشور هستند.

حرف آخــر اینکه معمــولاً شــبکه‌های ماهــواره‌ای از برنامه‌ها و فیلم‌هایــی که مورد پســند آنها بــوده و نمایشــگر تلخی‌ها و سیاهی‌های جامعه باشــند، حمایت می کنند و این نوع فیلم‌ها در شبکه‌های آنها تبلیغ می‌شود. اگر جز این بود فیلم‌های سالم اجتماعی و ارزشی هم می‌توانســتند در ماهواره‌ها تبلیغ شوند اما پرواضح اســت که آنها چنین آثاری را نمی‌پســندند و در پی سودجویی و حمایت از فیلم‌ها و فیلمســازانی هستند که مبلغ فرهنگ غربی باشــند. «پنجاه کیلو آلبالو» از منظر سینمایی و محتوایی حتــی از فیلم‌های دهه‌هــای ۴۰ و ۵۰ ایران عقب‌تر و نمونه‌ای از انحراف و ابتذال فرهنگی در سینمای کشور است.